

جلوتر از بنگاه سرگرمی



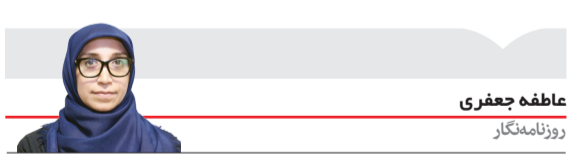
سازندگان «عصر جدید» در مقایسه با دیگر برنامه‌سازان تلویزیون این فرصت را یافتند که برای تولید این ابربرنامه تلویزیونی، حجم گسترده‌ای از منابع مالی و انسانی را در اختیار داشته باشند. این گستردگی و امکانات فقط معطوف به حین تولید نیست که گفته می‌شود فرضاً برای ثبت آتی یک صحنه، حدود ۳۰ دوربین مشغول فیلمبرداری فعال هستند. سازندگان «عصر جدید» به مدد تجربه‌ای که احسان علیخانی در برنامه ماه عسل کسب کرده، در مرحله پیش‌تولید هم فعال بوده و با راستی‌آزمایی متقاضیان حضور در این برنامه، آدم‌ها و قصه‌های جذاب را برای بردن روی صحنه گلچین کردند. یکی دیگر از ویژگی‌های عصر جدید این است که فراتر از یک برنامه چندساعته در قاب تلویزیون ظاهر شد و یکی از نمونه‌های آن، راه‌اندازی پوشش کمک به سیل‌زدگان در سال گذشته بود. «عصر جدید» در نوبت اول پخش خود و حالا در فصل دوم، با جذب انبوه مخاطبان توانسته خودش را به‌عنوان نمونه موفق برنامه‌سازی در تلویزیون اثبات کند. فارغ از ایرادات و نقدهایی که به‌صورت مبنایی درمورد تولید برنامه استعدادیابی مطرح می‌شود؛ می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین عبرت‌هایی که تولید برنامه عصر جدید برای مدیران تلویزیون دارد، این است که اگر به‌جای تولید چندین برنامه تکراری و گاهی به صرف پر کردن آنتن تلویزیون، به‌صورت متمرکز هزینه‌ها و نیروی انسانی را صرف تولید یک برنامه دقیق کنند، حداقلش در جذب مخاطبان تلویزیون موفق خواهند بود و اثرگذاری اجتماعی بیشتری خواهند داشت.

برنامه «عصر جدید» هنوز در ابتدای راه است و گام‌های ابتدایی خود را برمی‌دارد و سازگانش این فرصت را دارند که با تکیه به نظر منتقدان و مخاطبان، ایرادات فنی و محتوایی را برطرف کنند و همچنین با ایده‌های جدید، یک برنامه جذاب خاص فرهنگ و هنر ایرانی را طراحی کنند. ایده و طراحی «عصر جدید» ذاتاً این برنامه را در معرض این گزاره آشکار برای مخاطبش قرار می‌دهد که در حال تماشای الگوهایی برای کسب مهارت است. حال که فرصت تولید چنین برنامه‌ای فراهم شده و مخاطبان هم با آن ارتباط برقرار کردند، قطعاً دقت و حساسیت‌های بیشتری نسبت به گزینش استعدادها و حتی انتخاب برندگان نهایی را می‌طلبد. سازندگان «عصر جدید» همچنان در حال آزمون و خطا هستند و واضح است به‌دلیل اینکه برنامه باید در بستر فرهنگ جامعه ایرانی عرضه شود، نمی‌تواند شبیه هیچ برنامه استعدادیابی دیگری در دنیا باشد.

شاید در نگاه اول این جزء محدودیت‌های ساخت یک برنامه استعدادیابی باشد و این تلقی شکل بگیرد که منجر به ریزش مخاطب خواهد شد ولی به سوازات برنامه عصر جدید برنامه مشابه دیگری در یکی از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان پخش شد که علی‌رغم تبلیغات وسیع در فضای مجازی و حضور داوران اسم و رسم‌دارش و البته نداشتن تمام محدودیت‌های اجرایی در تلویزیون ایران، نتوانست آنچنان با مخاطبان ایرانی ارتباط برقرار کند. اگرچه ملاحظات فرهنگ و جامعه ایرانی باعث می‌شود که «عصر جدید» در فرم و اجرا با مشابه‌های خارجی خود تفاوت بسیاری داشته باشد ولی با تکیه بر همین محدودیت‌ها و بهره‌مندی از خلاقیت‌هایی که متکی بر مختصات فرهنگ و هنر جامعه ایرانی است، می‌تواند فراتر از یک بنگاه سرگرمی‌فروشی ظاهر شود و مخاطبش هم در سطحی بالاتر از یک برنامه صرفاً سرگرم کننده با آن مواجه خواهد شد. البته که برای تحقق چنین امری، مدیران تلویزیون می‌بایست دست از سلاق سفت و سخت خود بردارند و جسارت بیشتری به خرج داده و فرصت را برای عرضه هنرهایی که در چارچوب فرهنگ اصیل ایرانی تعریف شده، فراهم کنند.

۹ یادداشت

استعدادیابی‌ما، استعدادیابی آنها



پس‌رو صحنه می‌آید و سوار بر اسکیت این طرف و آن طرف می‌رود. تماشاگران تشویق کرده و داوران هم با لبخند نگاهش می‌کنند، اما پسر هیچ خلاقیتی ندارد و فقط طول و عرض صحنه را طی کرده و گاهی هم چرخ‌ی به دور خود می‌زند. اما درنهایت بعد از تمام شدن اجرا، چراغ‌های سفید برای او روشن شده و رای مثبت داوران را می‌گیرد. از او می‌پرسند چرا به این برنامه آمده‌ای؟ و او علتش را حضور آقای خواننده در این برنامه عنوان می‌کند و می‌گوید برای این آمده تا فقط خواننده موردعلاقه‌اش را ببیند! اینها تنها توصیف کوچکی بود از یک برنامه استعدادیابی در آن طرف آب که خوب، مخاطبان زیادی هم دارد و چند ماهی است پخش آن شروع شده است. نمی‌خواهم در این متن به این سمت بروم که این برنامه بد است و ما خوب بلکه با توجه به موضوع صفحه امروز که درمورد برنامه «عصر جدید» است، قصد داریم مقایسه‌ای داشته باشیم بین این دو برنامه.

برنامه‌ای برای همه

عصر جدید از سال ۹۷ که خود را آغاز و در نوروز ۹۸ مخاطبان خود را پیدا کرد و در یک برنامه چندساعته ثابت کرد مردم چقدر به این برنامه اقبال دارند. اولین‌بار برای معرفی خود این‌طور گفتند: «اولین و بزرگ‌ترین برنامه استعدادیابی تلویزیونی در ایران، با نام عصرجدید و با حضور استعدادهای ویژه در زمینه‌های سرگرمی، هنری و مهارت‌های ورزشی که از شبکه سه پخش می‌شود. برنامه‌ای که می‌خواهد استعدادها را در

فرهنگی

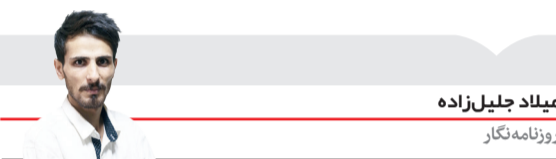
۴ یادداشت درباره فصل دوم عصر جدید و نمونه های غیر ایرانی آن

چراغ های سفید عصر جدید ۲



مربی تاریخچه در برنامه های «تلتنت شو»

پدران عصر جدید



Talent show یا «نمایش استعدادها» قالبی است که در دهه ۸۰ میلادی از جشن‌های دبیرستانی به مدیوم تلویزیون راه پیدا کرد اما از ابتدای قرن بیست‌ویکم بود که انگلستان این مدیوم برنامه‌سازی را قوام داد و به آمریکا و پس از آن به سرتاسر دنیا صادر کرد. در ابتدا، اکثر این نوع برنامه‌ها برای رقابت بین خواننده‌های ناشناس تولید می‌شدند اما کم‌کم نمایش‌های سرگرمی‌ساز دیگری مثل رقص، دوبله، بازیگری، هنرهای رزمی، نواختن ساز، شعر، نمایش‌های کمدی یا سایر فعالیت‌ها هم به فهرست اجراها اضافه شد. جرقه دوره نوین این نوع از برنامه‌سازی را سیمون فولر بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ با برنامه «سلطان پاپ» زد. سلطان پاپ تا سال ۲۰۰۳ پخش شد اما به‌رغم موفقیت بالا، ضبط و انتشار آن تا مدتی نامحدود متوقف ماند؛ چون یکی از داورهای این مسابقه به‌نام سیمون کاول در سال ۲۰۰۴ مستقلاً برنامه «فاکتور ایکس» را راه‌اندازی کرد و روی سلطان پاپ سایه‌ای بزرگ انداخت.

سیمون کاول همان کسی است که مدتی بعد برنامه استعدادیابی Got Talent) را هم ساخت و استعدادیابی همان برنامه‌ای است که «عصر جدید» بر اساس الگوی آن ساخته شده است. به‌طور کل چند مدل اصلی برای انتخاب برگزیدگان این نوع مسابقات سرگرمی‌سازی تلویزیونی وجود دارد. در یکی از مدل‌ها خود شرکت‌کنندگان به همدیگر رای می‌دهند. در مسابقات قدیمی‌تر موسیقی و خوانندگی، این معمول‌ترین روش بود که در این زمینه می‌شود رقابت‌های یوروویژن را مثال زد. این شیوه حتی به مسابقات آشنیزی هم سرایت کرد. در یک مدل دیگر، داوران مسابقه غیر از قضاوت درمورد تک‌تک شرکت‌کنندگان، هرکدام مریی و هدایت‌کننده یکی از آن شرکت‌کنندگان یا یک تیم از آنها می‌شوند. در رقابت بین استعدادپ‌کمدین‌های خندوانه این شیوه به اجرا درآمد. در مدلی دیگر، مخاطبان برنامه رای می‌دهند که بهترین اجراها به چه کسانی تعلق دارد. این روش معمولاً با روشی که از رای داوران استفاده می‌کند، ترکیب می‌شود. اگر برگزارزی برنامه در حضور تعدادی از مخاطبان باشد، می‌شود به‌جای سپردن دآوری به رای عموم مردم، تنها از حاضران در سالن

نظرسنجی کرد. استعدادیابی شعار اصلی تمام این مجموعه‌های تلویزیونی موسوم به Talent show است، اما هیچ‌گاه افرادی که در این نوع برنامه‌ها برگزیده می‌شوند، ستاره‌های واقعی و حرفه‌ای عالم هنر نخواهند شد؛ چون این روش از ستاره شدن، با قاعده آنچه به «ستاره‌سازی استودیویی» مشهور است همخوانی ندارد و ستاره‌ها را آدم‌هایی دست‌یافتنی و خودمانی می‌کند. نکته دیگر درمورد برنامه‌های استعدادیابی تاکید ویژه آنها روی فاکتورهای ملی است. تا سال گذشته میلادی بیش از ۷۰ برنامه استعدادیابی توسط شرکت سایکو تی‌وی (SYCOtv)، متعلق به سیمون کاول به زبان‌های مختلف دنیا ساخته شده‌اند و غیر از دیا لوگ‌های مجریان، حتی در عنوان بندی تمام آنها تاکیدات ویژه‌ای روی ملیت افراد می‌شود. این حجم از توجه به عنصر ملیت از این جهت لازم است که برگزیدگان هر تلتنت‌شو، تا مرتبه برندگان يك مسابقه ملی با اهمیت قلمداد شوند و سایه اتهام هجو بودن و هزل بودن، از بالای سر این نوع مسابقات کنار برود. «شهرت موقت و محدود» عمده‌ترین محصول چنین برنامه‌هایی است. یکی از نظریه‌پردازان اجتماعی «درباره دوره پست‌مدرنیسم گفته بود که «در این دوره هرکس تنها ۱۰ دقیقه مشهور است» و این تعبیر، سواى مبالغه‌ای که داشت، مقدار زیادی از خصوصیات چنین دوره‌ای را توضیح می‌داد.

برنامه‌های استعدادیابی، در ابتدای قرن بیست‌ویکم و همراه با قوام یافتن دوره پست‌مدرنیسم رشد پیدا کردند و به تولید انبوه شهرت موقت و محدود پرداختند. اعطای مرجعیت فکری به ستاره‌های مشهور رسانه‌ای، از ابتدا درون‌مایه اصلی این نوع برنامه‌ها بود که از آن با عبارت حق امضا به تب‌ها نام برده می‌شد. «فاکتور ایکس» یا همان دلیل دلخواهی وبی‌نیاز از منطق، برای رای دادن یک داور به یک شرکت‌کننده که نام برنامه مشهور سیمون کاول هم بود، اشاره‌ای تلویحی به این درونمایه دارد. برنامه‌های استعدادیابی از خاصیت سرگرم‌کنندگی بسیار بالایی برخوردارند و در آنها شرکت‌کنندگان صرفاً برای برنده شدن یک مبلغ هنگفت مالی به رقابت نمی‌پردازند، بلکه بر سر شهرت و محبوبیت رقابت می‌کنند. در مسابقاتی که برای برنده شدن یک مبلغ مالی رقابت می‌شود، بازنده‌ها خیلی به چشم می‌آیند و این قسمت تلخ ماجراست چون امکان دارد خیلی از مخاطبان هوادار یکی از آن بازنده‌ها باشند یا با او احساس همدان‌پنداری کنند اما در مسابقات استعدادیابی، بیشتر از همه، این داوران هستند که همدات‌پنداری مخاطب را برانگیخته می‌کنند نه برنده یا بازنده‌های رقابت. مطابق پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه، ساخت این نوع برنامه‌ها حداقل بین ۵ تا ۱۰ سال دیگر در نقاط مختلف دنیا می‌تواند مخاطبان انبوهی را جذب کند و پس از آن هم امکان دارد که در مقیاسی محدودتر، مخاطبان قابل توجهی داشته باشد.

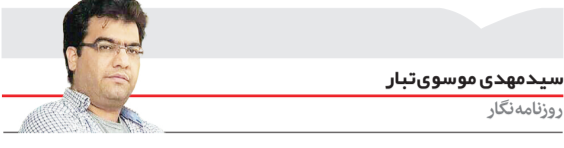
شو با داوران معروف

اما در مقایسه با برنامه معروف آن‌طرف‌آبی، در اکثر قسمت‌های آن برنامه، هدف ایجاد سرگرمی با داوران بوده است، نه کسانی که در برنامه شرکت می‌کنند! یعنی داوران نقش اصلی را در این برنامه بازی می‌کنند، نه شرکت‌کننده‌ای که برای کشف استعدادش آمده است. اتکای این برنامه به حضور کسانی است که برای دآوری انتخاب شده‌اند و سازندگانش تنها روی همین داوران مانور می‌دهند و انگار برای شرکت‌کننده‌ها برنامه‌ای ندارند! شرکت‌کننده‌ای که اصول اولیه خوانندگی را نمی‌داند و با این عنوان به برنامه می‌آید و باز هم رای مثبت می‌گیرد و از این قبیل موارد در قسمت‌هایی که پخش شده است، زیاد بوده و به قول دوستی؛ من حتی گاهی خجالت می‌کشم به‌عنوان مخاطب برخی شرکت‌کنندگان این برنامه را می‌بینم که بدون هیچ حرف و استعدادی روی صحنه می‌آیند و گاهی هم بسیار خنده‌دار هستند.

جدابیت با دورچین‌ها

حالا بیایدد همه اینهایی را که گفتیم، با عصر جدید مقایسه کنیم. مطمئناً گام اول همه این برنامه‌ها مثل هم است؛ اینکه ویدئویی فرستاده شود و بعد از تایید، شرکت‌کننده برای تست بیاید و دوباره همان اجرای ویدئو را داشته باشد و بعد هم برای برنامه انتخاب شود. اما فرق عصر جدید از همین‌جا شروع می‌شود. وقتی شرکت‌کننده‌ای برای تست می‌آید، بعد از تایید به حال خود رها نمی‌شود. سازندگان این برنامه، در پشت صحنه اساتیدی را در حوزه‌های مختلف دارند و آنها در کنار شرکت‌کننده‌ها قرار می‌گیرند و همین نقطه قوت برنامه می‌شود. شرکت‌کننده‌ای که استعدادی دارد اما استعدادش را با یک خلاقیت به روی صحنه می‌آورد و باعث جذب مخاطب می‌شود. مثلاً برای اجرای یک حرکت ورزشی، داستانی برای آن تعریف می‌شود تا جذابیت آن را برای مخاطب بیشتر کند.

عصری که جدید نبود



در غیاب خندوانه و افت مشهود دوره‌می، بار اصلی سرگرمی شبانه تلویزیون به دوش «عصر جدید» افتاد. برنامه‌ای که در زمان پخش سری اولش با وجود انتقادهای به جا و گاه نابه‌جا توانست در جذب مخاطب موفق عمل کند. عصرجدید هم مانند برنامه‌های دیگر تلویزیون تحت تاثیر کرونا قرار گرفت و ضبط قسمت‌هایی از آن بدون حضور تماشاگران برگزار شد. اتفاقی که حتما در کاهش کیفیت مؤثر بود. اما تغییرات عصر جدید در سری دوم فقط شامل حضور و غیاب تماشاگران نمی‌شد. در زمان پخش سری اول انتقادهای زیادی به عصر جدید وارد شد؛ از ترکیب هیات داوران تا نحوه ناعادلانه رقابت و ارائه الگوی غیرکاربردی برای جامعه. در سری دوم، ترکیب داوران تغییری نکرد تا همچنان این سوال بی‌جواب بماند که حضور سیدبشیر حسینی در کنار امین حیایی همگون است یا ناهمگون؟ آیا سیدبشیر حسینی برای توریزه کردن اتفاقات خاص روی صحنه باید در جمع داوران باشد؟ ترکیب داوران بدون تغییر و البته با حضور کم‌رنگ‌تر رویا نونهالی (مگر در کل کل‌های مصنوعی با آریا عظیمی‌نژاد) در سری دوم به جا ماند. یکی از مسائل مهم در همه مسابقات، بحث قضاوت و در پی آن عدالت است. نقدهایی هم درباره تعریف و حضور عدالت در قضاوت داوران این برنامه مطرح شد. به عنوان مثال، برخی از کارشناسان، رقابت یک خواننده ۱۲ ساله با یک ورزشکار ۳۵ ساله را اساساً ناعادلانه می‌دانستند. برخی دیگر هم معتقد بودند که وجه سرگرمی این رقابت بر عدالتش می‌چربد و نباید زیاد مته بر خشخاش گذاشت. اما حتما خود دست‌اندرکاران برنامه عصر جدید هم احتمال شکل‌گیری یک تصویر مخدوش یا ناقص از عدالت در ذهن مخاطبان به دلیل همین رقابت غیرهمسان را رد نمی‌کنند. در سری دوم به دلیل مشارکت تماشاگران در استودیو و مردم در رای‌گیری و قضاوت تا حدود زیادی عدالت و البته جذابیت در برنامه بیشتر شد. بدیهی است که نظرات مردم با داوران متفاوت باشد. برخی معتقدند که داوران در این سری سختگیرتر شده‌اند و دیگر با نگاه احساسی به شرکت‌کنندگان نمی‌نگرند. این هم تغییر مثبتی بود. اساساً آفت قضاوت، احساس است. حضور برگزیدگان دوره قبلی در کنار شرکت‌کنندگان جدید هم یک انتقاد صحیح و مفید بود. عصرجدید و برنامه‌هایی شبیه به آن چه بخواهند و چه نخواهند ارائه دهنده الگوهای مختلف خواهند بود؛ الگوی عدالت، الگوی استعداد، الگوی مفیدبودن و ….

می‌دانیم که قرار نیست عصرجدید به جای وزارت آموزش‌وپرورش یا دانشگاه‌ها یا حتی وزارت ورزش عمل کند اما می‌تواند ذهن خانواده‌ها را در نحوه تربیت و هدف‌گذاری فرزندان‌شان هدایت کند. می‌تواند بسیاری از چارچوب‌های ذهنی کهنه را اصلاح کند. عصرجدید تا به حال توانسته در حد تلنگر زدن عمل کند. اینکه افراد از شهرستان‌های مختلف می‌توانند استعداد احتمالی خود را به همه کشور نشان دهند حتما اتفاق مبارکی است اما بعدش چه می‌شود؟ منتظر سری سوم عصرجدید خواهیم ماند. ان‌شاءالله بعد از رفتن کرونا و عادی شدن شرایط، شاهد عصرجدیدی با حضور تماشاگران و با هیجان و شور باشیم. عصر جدیدی که نسبت به گذشته‌اش خل‌تر و تازه‌تر باشد. تغییر ترکیب داوران شاید نمونه‌ای از این خلاقیت‌ها باشد.



پار اصلی برنامه

نکته بعدی این است که ما در عصر جدید شاید داوران معرفی داریم که بالاخره عنوان سلبریتی را دارند، اما موضوعی که در عصر جدید پررنگ است، آن کسانی هستند که در برنامه شرکت می‌کنند؛ یعنی این برنامه بار اصلی‌اش بر دوش شرکت‌کنندگان است، نه داوران آن. البته نمی‌خواهم با این حرف‌ها نقش دآوری را کم‌رنگ کنم که طبیعتاً حضور داوران هم بسیار مهم است، اما اینکه در یک برنامه آن طرف‌آبی، همه اهداف و توجه‌های آن به سمت داوران رفته است و از آن هدف اصلی (به قول خودشان) استعدادیابی دور شده، خود جای بحث بسیار دارد.

برنامه با فاکر

با همه سختی‌هایی که ساخت برنامه عصر جدید در کشور دارد و بارها توسط سازندگان آن گفته شده، این برنامه سعی داشته برنامه جذابی برای مخاطب تدارک ببیند؛ برنامه‌ای که از نظر کیفیت به استانداردهای جهانی نزدیک باشد، مخاطب را گول نزند و برایش برنامه داشته باشد و یا حتی غافلگیرش کند. البته این برنامه نقطه‌ضعف‌هایی هم داشته و اشتباه‌هایی در ساخت آن وجود دارد. همه اینها را گفتیم که حرف اصلی را بزنم؛ اینکه برای ساخت این برنامه با وجود همه نقدهایی که بر آن وارد است، فکر شده، برای همه آیتم‌های آن تصمیم گرفته شده و مشخص است دست‌اندرکاران این برنامه خود را جای مخاطب می‌گذارند و بعد هر قسمت را می‌سازند که همین امر باعث باور و جذب مخاطبان شده و برنامه را به سمت مهارت‌محوری می‌برد که بسیار مساله مهمی است.

برنامه‌های استعدادیابی در همه دنیا ساخته می‌شوند، اما اینکه برنامه را جوروی بسازند که مخاطب آن را دوست داشته باشد و با دیدن آن گمان نبرد کسی گولش زده و یا به او توهین کرده، کار سختی است. عصر جدید با همه ضعف‌ها و کاستی‌هایی که دارد، برنامه‌اش برای مردم عادی است؛ مردمی از جنس خودمان که دنبال راهی برای کشف استعدادشان بوده و این برنامه را پیدا کرده‌اند.